

1398/07/08

حفظ و ترویج فرهنگ و معارف دفاع مقدس

به شهدا افتخار و راه آنها را دنبال کنید...

بازماندگان شهدا باید به شهدا افتخار کنند؛ ولی به این کار اکتفا نکنند. باید راه شهدا را که راه دین و فداکاری برای اسلام و سربازی برای انقلاب و تقویت نظام اسلامی بود، دنبال کنید. بازماندگان شهدا، باید احترام به اسلام و استحکام بخشیدن به نظام و سربازی انقلاب را، بیشتر از بقیه مردم شعار خود قرار بدهند و در این راه حرکت کنند. بعضی خیال میکنند چون خانواده‌های شهدا مورد احترام و عطوفت دستگاه‌های دولتی و مردم هستند، دیگر وظیفه‌ی برعهده ندارند و با دادن شهید، از آنها سلب وظیفه شده است. این، اشتباه است. هر که برای این نظام بیشتر سرمایه‌گذاری کرده، بیشتر موظف به حفظ نظام است و هرکه در شرکتی، سهم بیشتری داشته باشد، نسبت به منافع آن شرکت حساسیت بیشتری دارد. خانواده‌های شهدا چون با دادن عزیزشان، سرمایه‌گذاری بیشتری برای بقای نظام کرده‌اند، باید بیش از تمام مردم برای حفظ نظام اسلامی و حیثیت آن حساس باشند؛ که بحمدالله این‌گونه هم هست و خوشبختانه بازماندگان شهدای ما به نحوی هستند که ان‌شاءالله کارشان موجب رضای روح مطهر شهدای ماست.

۱۳۶۸/۰۵/۲۵

بیانات در دیدار فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان امور فرهنگی بنیاد شهید و جمعی از دانشجویان امامیه‌ی پاکستان

از ثبت و ضبط جزئیات دوران جنگ غفلت نکنید

از همه‌ی نگارندگان حوادث جنگ و همه‌ی کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه‌ی تمام نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند. این دوره، دوره‌ی ذخیره‌ی نیروی محرکه‌ی تاریخ و الهامبخش امم است. ۱۳۶۸/۰۶/۳۰

پیام به مناسبت نهمین سالگرد جنگ تحمیلی

حفظ و بازسازی یادگارهای جنگ از وظایف مهم است

همان گونه که امام عزیز فرمودند، حفظ آثار جنگ در بعضی از شهرها و مناطق جنگی، در شمار وظایف مهم کنونی است. این کار و بازسازی یادگارهای دوران مقاومت پیروز و تشکیل موزه‌ی جنگ، باید در برنامه‌های دولت و سازمانهای نظامی قرار گیرد. ۱۳۶۸/۰۶/۳۰

پیام به مناسبت نهمین سالگرد جنگ تحمیلی

جنگ عرصه‌ای برای بروز روحیه اسلامی و انقلابی

اعتقاد این است که اگرچه جنگ به خودی خود موضوعیتی ندارد، اما عرصه‌ی بسیار مهمی برای بروز روحیه‌ی اسلامی و انقلابی و خصلتهای مسلمانی درست است؛ از این جهت بسیار ارزشمند است. از بودن آن‌چنان زمان و محیطی بایستی شکرگزار بود؛ از نبودنش باید آدم واقعاً متأسف باشد و غصه بخورد. اگرچه کسی از جنگ - از حیث جنگ - خوشش نمی‌آید، اما این روی دیگر سکه، چیز بسیار عظیمی برای ماست. ما حالا که دیگر جنگ نداریم و نمیخواهیم هم به دست خودمان یک جنگ درست کنیم که عرصه‌ی انقلاب بشود، لیکن آن هشت سال جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه کند. ما باید از آنچه که در این هشت سال جنگ اتفاق افتاده، آن روحیه‌ی مقاومت، آن روحیه‌ی فداکاری همراه با اخلاص - همانی که حقیقتاً در عرصه‌های جنگ ما وجود داشت - استفاده کنیم... در نشان دادن این نقطه‌ها و جاری کردن این روحیه در طول و امتداد تاریخ ما، باید خیلی تلاش کرد؛ از آن هشت سال جنگ باید استفاده کرد. ۱۳۷۰/۰۴/۲۵

بیانات در دیدار مسئولان دفتر هنر و ادبیات مقاومت

نگران از بین رفتن فرهنگ جنگ و انقلاب هستم...

این دغدغه در ذهن من هست که فرهنگ جنگ و فرهنگ انقلاب و درحقیقت روحیه‌ی انقلاب - آن روحیه‌ی پی که در جنگ، میدانی برای رشد و بالندگی پیدا کرده بود - از بین برود. البته باید به خدای متعال توکل کرد و به آینده خوشبین بود؛ که من حقیقتاً به آینده خوشبینم و خیلی از افقها را خوب و روشن میبینم. به هر جهت، این دغدغه وجود دارد و راه زایل کردن آن هم این است که ما تلاش بکنیم؛ یعنی وقتی به قدر وسعمان تلاش کردیم، دیگر دغدغه‌ی نخواهیم داشت. ۱۳۷۰/۰۴/۲۵

بیانات در دیدار مسئولان دفتر هنر و ادبیات مقاومت

صدور مفاهیم انقلاب با انتشار کتب دفاع مقدس

من وقتی اینها [کتابهای دفاع مقدس] را میخواندم، به این فکر می‌افتم که اگر ما برای صدور مفاهیم انقلاب، همین جزوه‌ها و کتابها را منتشر بکنیم، کار کمی نکرده‌ایم؛ کار زیادی انجام گرفته است. ۱۳۷۰/۰۴/۲۵

بیانات در دیدار مسئولان دفتر هنر و ادبیات مقاومت

دفاع مقدس می‌تواند برای سالیان متمادی در جامعه اثرگذار باشد

از اول تا آخر حادثه‌ی عاشورا، به یک معنا نصف روز بوده؛ به یک معنا دو شبانه روز بوده؛ به یک معنا هم هفت، هشت روز بوده؛ بیشتر از این‌که نبوده است. از روزی که امام حسین وارد سرزمین کربلا شد، تا روزی که از خاندان خود جداگردید، مگر چند روز بوده است؟ از روز دوم تا یازدهم محرم، هشت، نه روز بوده؛ خود آن حادثه هم که نصف روز است. شما ببینید این نصف روز حادثه، چه قدر در تاریخ ما برکت

کرده و تا امروز هم زنده و الهامبخش است. این حادثه فقط این نیست که آن را بخوانند و بگویند و مردم خوششان بیاید یا متأثر عاطفی بشوند؛ نخیر، منشأ برکات و حرکت است. این، در انقلاب و جنگ و گذشته‌ی تاریخ ما محسوس بوده است. در تاریخ تشیع، بلکه در تاریخ انقلابهای ضد ظلم در اسلام - ولو از طرف غیرشیعیان - حادثه‌ی کرلا به صورت درخشان و نمایان اثربخش بوده؛ شاید در غیر محیط اسلامی هم اثربخش بوده است. در تاریخ خود ما - یعنی در این هزاروسیصد، چهارصد سال - همان نصف روز حادثه اثر کرده است. پس، عجیب و بعید نیست. ما اگر نخواهیم هشت سال جنگ خودمان را با آن هشت، نه ساعت عاشورای امام حسین مقایسه کنیم، یا آن را خیلی درخشانتر بدانیم - که واقعاً هم همین است؛ یعنی من هیچ حادثه‌یی را در تاریخ نمیشناسم که با فداکاری آن نصف روز قابل مقایسه باشد؛ همه چیز کوچکتر از آن است - لیکن بالاخره طرحی از آن، یا نمی از آن یم است. چرا ما فکر نکنیم که در داخل جامعه‌ی ما، برای سالهای متمادی میتواند منشأ اثر باشد؟ ۱۳۷۰/۰۴/۲۵

بیانات در دیدار مسئولان دفتر هنر و ادبیات مقاومت

سه سوالی اساسی جنگ

آنچه که ملت ما پس از گذشتن دوران سخت جنگ هشت‌ساله باید مورد تدبیر قرار بدهد، این است که این جنگ را چه کسی به وجود آورد، و چرا به وجود آورد، و چه شد که موفق نشد؟ این، سه نقطه‌ی اساسی است. ۱۳۷۰/۰۷/۰۵

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه

باید آثار جنگ را کشف و حفظ کنیم.

[مثل آثار ساختمانی جنگ - که امام فرمودند اینها را حفظ کنید] ما تا آنجا که میتوانیم، باید آثار جنگ را کشف و حفظ کنیم... تاریخ نمیتواند اینها را بیان کند. در تاریخ خواهند گفت هشت سال جنگ شد - دیگر بیشتر از این که نمیشود بگویند - عملیاتها را یکی یکی خواهند گفت؛ در فلان تاریخ، عملیات فتح‌المبین شد؛ در فلان تاریخ، فلان عملیات شد؛ این قدر نیرو شرکت داشت؛ پیروزی به دست آمد؛ اما اینها کجا، و حقیقت آنچه که در این میدانها گذشته، کجا؟ شما بحمدالله دارید به این قضیه رسیدگی میکنید؛ کار را مغتنم بشمارید. ۱۳۷۰/۱۰/۱۶

بیانات در دیدار اعضای دفتر پژوهش و گسترش فرهنگ جبهه

استفاده از اسناد تاریخی جنگ در تولیدات فرهنگی

وقتی که جلد اول کتاب [فرهنگ جبهه] درآمد، طبعاً به‌طور عادی مثل بقیه‌ی منشوراتی که پیش من می‌آوردند، نشستم آن را خواندم. این کتاب از بس من را جذب کرد، آن را تا آخر خواندم؛ بعد دیدم این کافی نیست؛ به خانه بردم و گفتم همه بنشینید این کتاب را بخوانید! در جمع خانواده، جاهایی از این کتاب را خود من باز کردم و خواندم؛ گفتم این کتاب اصلاً باید در فضای خانه‌ها باشد و همه باید آن را همیشه داشته باشند... این اصطلاحات خیلی ارزش دارد. مجموعه‌ی آن به صورت یک مادّه‌ی خام تاریخی و به صورت یک سند تاریخی، الان در اختیار ماست. بر اساس سند تاریخی، کارهای گزارشی فراوانی ممکن است انجام بگیرد. چه قدر خوب است که آن کسانی که فیلم میسازند، یا قصه مینویسند، یا شعر میگویند، یا نمایشنامه مینویسند، از این نوشته‌ها و از این اسناد استفاده کنند... اگر همینها در قالب داستان، شعر، فیلم و فیلمنامه بیاید، جلوه‌ی جدیدی پیدا میکند و بهتر مورد استفاده قرار میگیرد. باید این توصیه را به همه کرد که از این مواد استفاده کنند؛ لیکن اساس کار این است که این روایات جمع بشود. ۱۳۷۰/۱۰/۱۶

بیانات در دیدار اعضای دفتر پژوهش و گسترش فرهنگ جبهه

خاطرات دفاع مقدس برای ما درس است

اگر می‌گوییم راه شهدا را باید ادامه بدهیم، یعنی این احساس که اسلام و انقلاب اسلامی، به تلاش و مجاهدت و صبر ما نیازمند است. این احساس، همان احساسی است که شهدای عزیز ما را از خانه و کاشانه و آسایش و درس و کار و تلاشهای روزمره‌ی زندگی جدا کرد و به جبهه‌های نبرد کشانید. این خاطراتی که از این عزیزان منتشر میشود، این حوادث بسیار پُرشکوهی که امروز به قلم رزمندگان و بعضاً شهدای ما بر صفحه‌ی کاغذ نقش بسته و در اختیار همه است، برای ما درس است. ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای قم

اگر می‌گوییم راه شهدا را باید ادامه بدهیم...

اگر می‌گوییم راه شهدا را باید ادامه بدهیم، یعنی این احساس که اسلام و انقلاب اسلامی، به تلاش و مجاهدت و صبر ما نیازمند است. این احساس، همان احساسی است که شهدای عزیز ما را از خانه و کاشانه و آسایش و درس و کار و تلاشهای روزمره‌ی زندگی جدا کرد و به جبهه‌های نبرد کشانید. این خاطراتی که از این عزیزان منتشر میشود، این حوادث بسیار پُرشکوهی که امروز به قلم رزمندگان و بعضاً شهدای ما بر صفحه‌ی کاغذ نقش بسته و در اختیار همه است، برای ما درس است. ۱۳۷۰/۱۱/۳۰

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای قم

برای بزرگداشت دفاع مقدس کارهای حقیقی و اساسی بکنید

در زبان فارسی، چند رمان بلند برای جنگ نوشته شده است؛ بلکه نوشته شده؛ اما ضدّ جنگ! رمان بلند ضدّ جنگ نوشته‌اند. کسانی، همین کتاب امیل زولا را در بحبوحه‌ی جنگ ترجمه کردند، برای این که چهره‌ی خسته‌ی یک سپاه شکست خورده را نشان دهند! (آن زمان حدسم این بود. شاید سوءظن بوده و ان شاء الله واقعیت نداشته است.) برای شکستن روحیه‌ی مردم ما در جنگ، مخالفین جنگ، علیه جنگ رمان بلند نوشتند! کسی گفت: «پدران ما، در جنگهای صدر اسلام شرکت داشتند؟» گفت: «بله؛ شرکت داشتند؛ از آن طرف!» حالا از «آن طرف» متأسفانه چیزهایی نوشته‌اند. ولی ما، نه.

لذا، شما برای بزرگداشت هفته‌ی دفاع مقدس، هر چه کار کنید خوب است. منتها من شما را از کارهای تکراری، ظاهری و روکاری بر حذر می‌دارم. باید کارهای حقیقی کرد. کار باید کرد! این‌که یک پوستر چاپ کنیم، یک گرد همایی مکرر درست کنیم؛ اینها کاری نیست. نمی‌گویم «نکنید». یک وقت اگر لازم دانستید، ایرادی ندارد؛ لکن کار، اساسی نیست. کار اساسی این است که در هفته‌ی جنگ، صد عنوان کتاب در باب جنگ منتشر شود. از امسال تا سال آینده کار کنید، صد عنوان کتاب و ده تا فیلم جالب تولید کنید. اما نه فیلم آبکی بی‌ربط. در هفته‌ی جنگ، این‌طور کارها باید انجام گیرد.

هفته‌ی جنگ، سینماها پر شود از فیلمهای پر مشتری که مثلاً در جشنواره‌ها جایزه برده باشند و معروف شده باشند. این‌طور کارها، واقعاً کار اساسی و حسابی است. یا یک آمار خیلی خوب روشن همه کس فهم، از چیزهای خوب، آمار کشته‌ها و زخمی‌ها را هزار بار داده‌اند و چیز خیلی دلنشینی هم نیست. آمار عملیات، آمار پیروزیها، آمار ضربه‌هایی که به دشمن خورده، آمار حرفهای خلاقی که علیه ما گفته شده و بعد دروغش ثابت شده است. چیزهایی که مردم را خوشحال کند. ۱۳۷۲/۰۶/۲۹

بیانات در دیدار مسؤولان برگزارکننده «هفته‌ی دفاع مقدس»

گاهی رنج زنده نگهداشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست شهید، چیز عظیم و حقیقت شگفت‌آوری است. ما چون به مشاهده شهدا عادت کرده‌ایم و گذشتها و ایثارها و عظمتها و وصایا و راهی که آنها را به شهادت رساند، زیاد دیده‌ایم، عظمت این حقیقت نورانی و بهشتی برایمان مخفی میماند؛ مثل عظمت خورشید و آفتاب که از شدت ظهور، برای کسانی که دائم در آفتابند، مخفی میماند. در دوران گذشته، وقتی که یک نمونه از این نمونه‌های شهدای امروز ما، از تاریخ صدر اسلام انتخاب و معرفی میشد و شرح حال او بیان میگردد، تغییر واضح و شگفت‌آوری در دلها و جانها و حتی در همها و نیتها به وجود می‌آورد. هر یک از این ستارگان درخشان، میتواند عالمی را روشن کند. بنابراین، حقیقت شهادت حقیقت عظیمی است. اگر این حقیقت، به وسیله کسانی که امروز در قبال شهیدان مسؤولیت دارند، زنده بماند، حفظ و تقدیس گردد و بزرگ نگاه داشته شود، همیشه تاریخ آینده ما، از این ایثار بزرگی که آنان کردند، بهره خواهد برد. همچنان که تاریخ بشریت، هنوز از خون به ناحق ریخته سرور شهیدان تاریخ، حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه الصلوة والسلام بهره می‌برد؛ چون کسانی که وارث آن خون بودند، مدبرانه‌ترین و شیواترین روشها را برای زنده نگهداشتن این خون به کار بردند. گاهی رنج و زحمت زنده نگهداشتن خون شهید، از خود شهادت کمتر نیست. رنج سی ساله امام سجاد علیه الصلوة والسلام و رنج چندین ساله زینب کبری علیهاسلام از این قبیل است. رنج بردن تا توانستند این خون را نگه بدارند. بعد از آن هم همه ائمه علیهم السلام تا دوران غیبت، این رنج را متحمل شدند. امروز، ما چنین وظیفه‌ای داریم. البته شرایط امروز، با آن روز متفاوت است. امروز بحمدالله حکومت حق - یعنی حکومت شهیدان - قائم است. پس، ما وظایفی داریم. ۱۳۷۶/۰۲/۱۷

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا

پیام شهیدان این است که تسلیم وسوسه غنیمت نشوید پیام شهیدان این است که تسلیم وسوسه غنیمت نشوید. پیام آنها به من و شما و همه کسانی که به این خونهای به ناحق ریخته مطهر احترام میگذارند، همین است. شما نگاه نکن که یک نفر تخلف میکند و سراغ جمع کردن غنیمت رفته است. «لا یضركم من ضلّ اذ اهتدیتم». شما چه کار داری که دیگری گمراه شد؟ شما خودت را نگهدار و حفظ کن. دستور اسلام و پیام خون شهید، این است. آن روزی که همین شهدای عزیز ما در جبهه به شهادت رسیدند، همه که به جبهه نرفتند؛ عده‌ای هم بودند که مشغول کاسبی شدند، عده‌ای هم مشغول پول در آوردن شدند، عده‌ای هم مشغول سوء استفاده شدند، عده‌ای هم مشغول خیانت شدند. این شهدا، بدون آن که به آنها اعتنا کنند، رفتند و نتیجه این شد که توانستند نظام اسلامی را حفظ کنند و امروز هرکدام یک ستاره و یک خورشیدند. بنابراین، پیام اول این است که در قبال خدای متعال، در قبال بندگان، در قبال اراده الهی، باید انسان خود را شناسد. این پیام را باید بگیریم. عزیزان من! با این حقایق نمیشود شوخی کرد. اینها از انسان تحرک و تصمیم میطلبد. ۱۳۷۶/۰۲/۱۷

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا

حفظ راه شهدا وظیفه همه ما است...

آنچه که مهم است، حفظ راه شهداست؛ یعنی پاسداری از خون شهدا. این، وظیفه اول ماست. در قبال شهدا، همه هم موظفیم. نه این که بعضی وظیفه دارند و بعضی ندارند. البته کسانی که مسؤولیتی دارند و شانه‌های آنها زیر بار مسؤولیتهای بزرگ یا کوچک قرار گرفته است، وظیفه بیشتری دارند. ۱۳۷۶/۰۲/۱۷

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا

استفاده از تجارب ایستادگی میدان جنگ

عزیزان من! این، تجربه گرانقدری است. ما امروز یک نسل نوی شاداب تازه به میدان وارد شده‌ای را در کشور خودمان داریم که باید از این تجربه‌ها استفاده کند. از تجربه میدان جنگ که ایستادگی در آن، شهادت و جانبازی و محرومیت از سلامتی و دوری از خانمان و راحتی و فرزندان و عزیزان را داشت، باید استفاده کند. هزاران سختی در میدان جنگ هست که فقط برای کسی که در آن شرایط قرار دارد، قابل لمس است، و لاغیر. تحمل این سختیها، یک کار عظیم است. ایستادگی در میدان نبرد با دشمن، میدانهای اسارت، دوران جانبازی - که جانبازان ما هنوز در میدان مقاومت و ایستادگی هستند - یک کار عظیم محسوب میشود. ۱۳۷۶/۰۵/۲۹

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا

حفاظت از خون شهید با حفاظت از اهداف او میسر می‌شود

همه باید پاسدار خون شهید باشند و از آن حفاظت کنند. حفاظت از خون شهید یعنی چه؟ یعنی ببیند این جوان، این خانواده، این پدر و

مادر، این همّت‌ها و روحیه‌های عظیم و شکست‌ناپذیر، دنبال چه هدفی رفتند؟ آن هدف را از جان خودتان بیشتر محافظت کنید. شهدای ما برای خدا مجاهدت کردند؛ در راه خدا به شهادت رسیدند؛ برای حاکمیت دین خدا در کشور - که مایه سعادت دنیا و آخرت است - سختی‌ها را تحمّل کردند. پدران و مادران هم همین‌طور. این که خانواده شهدا در مقابل شهادت عزیزانشان بهترین و زیباترین صبر را نشان دادند به خاطر خدا بود. این راه شهادت است. امروز در این کشور، راه خدا، راه دین و راه تحقق احکام اسلامی، راه سعادت حقیقی این ملت است. دین، دنیای مردم را هم آباد خواهد کرد، آخرت مردم را هم آباد خواهد کرد. دین، شرّ دشمنان را هم کم خواهد کرد. آن کسانی که میکوشند مردم را از دین جدا کنند، میخواهند تیشه به ریشه سعادت این ملت بزنند. البته نمیتوانند بزنند. هیچ مرکزی در دنیا وجود ندارد که بتواند با این ملت، با این ایمانها، با این احساسها و با این اخلاصها دست و پنجه نرم کند. شما عزیزان - خانواده‌های عزیز، پدران، مادران، همسران، فرزندان و بقیه کسان شهدا - این افتخار را برای خودتان حفظ کنید که حافظ خون شهید و دنباله‌رو راه شهید و نگهدارنده علم شهید باشید که همان علم راه خدا و دین خدا و حفظ ارزشهای الهی و اسلامی است. ۱۳۷۷/۰۷/۰۵

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا

اگر دفاع مقدس درست روایت شود اثراتش ماندگار می‌شود
 عزیزان من! آنچه که این قضیه [جنگ ۸ ساله] را تمام میکند، این است که روایت این حادثه به‌درستی صورت گیرد. نقش شما این‌جا معلوم میشود. شما هر کدامتان - شاید اکثرتان یا همه‌تان - به این میدانهای جنگ رفتید و در آن‌جا حضور پیدا کردید. آنهایی هم که سنشان آن وقت اقتضاء نمیکرده است، از مسائل آن آگاه شده‌اند. اگر این حادثه بزرگ، درست روایت شود، این اثرات ماندگار خواهد شد. اگر غلط روایت شود، یا روایت نشود، این تأثیرات بسیار کم خواهد شد. نه این که به کلی از بین برود؛ لیکن بسیار کم خواهد شد. اگر خدای نکرده مغرضانه روایت شود، قضیه بعکس خواهد شد. ۱۳۷۹/۰۷/۰۶

بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس

تبیین و موشکافی جنگ در آثار هنری
 این هشت سال دوره دفاع مقدس، شامل هزاران هزار حادثه است. من میخواهم این را از جامعه فرهنگی و هنری کشور مطالبه کنم که از این هزاران هزار حادثه، لااقل یک فهرست تهیه کنند. بنشینند فکر کنند و در حوادث جنگ، دقت نظر هنرمندانه به خرج دهند؛ یک فهرست از این حوادث به وجود آورند؛ بعد این را بگذارند در قبال کارهای هنری‌ای که تا امروز درباره‌ی جنگ شده است - که البته بسیار هم ارزشمند است - ببینند که چقدر از این فهرست را ما پُر کرده‌ایم. من اعتقادم این است که اگر این کار صورت گیرد، خواهیم فهمید که ما یک هزارم آنچه را که درباره این جنگ میباید تبیین کرد و میتوان تبیین و موشکافی کرد، هنوز بیان نکرده‌ایم!
 من غالب آثار هنری جنگ را یا دیدم یا شنیدم؛ البته در این سالهای اخیر کمتر. در دوره جنگ و سالهای اوایل بعد از جنگ، غالب این نوشته‌ها و روایتهای تصویری و روایتهای سینمایی و غیره را غالباً یا دیدم یا گزارشی از آنها به دست آوردم. قطعاً آثار باارزشی در بین اینها وجود دارد؛ لیکن همه اینها در مقابل آن گنجینه عظیمی که در این دفاع هشت ساله به وسیله ملت ایران به وجود آمد، چیز کمی است. ۱۳۷۹/۰۷/۰۶

بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس

تبیین و تشریح همه ابعاد جنگ در آثار هنری
 ببینید؛ ما در دوره جنگ، از طرف مجامعی که ادعا میکردند در مسائل جهانی بی‌طرفند، در مقابل یک اعمال غرض‌واضحی قرار گرفتیم. ادعاهای بسیار بزرگی هم میکردند. کسانی که امروز شما میبینید درباره سلاحهای کشتار جمعی و سلاحهای شیمیایی و میکروبی و از این حرفها داد سخن میدهند و جزو مسائل واضح میشمرند، اینها به رژیم عراق و ارتش عراق سلاح شیمیایی دادند؛ برایش ساختند و یا امکان ساخت آن را برایش فراهم کردند. دو قطب بزرگ دنیای آن روز - یعنی قطب آمریکا و قطب شوروی سابق - مشترکاً با همه ساز و برگشان به کمک عراق آمدند. اینها کجا و در کدامیک از این آثار هنری ما درست تبیین و تشریح شده است؟
 من بارها گفته‌ام، ما یک وقت میخواستیم برای جبهه‌ها سیم خاردار - که در داخل کشور نداشتیم و تولید نمیشد - از جایی وارد کنیم. همین شوروی سابق اجازه نداد ما سیم خاردار را از داخل کشور عبور دهیم و به ایران بیاوریم. گفت این وسیله جنگی است! یعنی ادعا این بود که آنها به دو طرف جنگ کمک نمیکند؛ این در حالی بود که هواپیمای روسی، موشک روسی، کارشناس روسی، افسر روسی، مواد منفجره روسی و تمام امکانات روسی، آن طرف جبهه در اختیار دشمن و طرف مقابل ما در این جنگ بود!
 همین اروپای به اصطلاح طرفدار حقوق بشر و در مقام صحبت، با نزاکت و ادب و اتو کشیده - چه قسمت شرقیشان؛ همین یوگسلاوی فعلی و بقیه کشورهای بلوک شرق آن روز، و چه قسمت غربیشان؛ یعنی همین آلمان و بقیه - آنچه توانستند، به عراق کمک کردند، ولی حاضر نبودند ساده‌ترین چیزها را به ایران بفروشند. اگر یک وقت هم از طوقی دولت جمهوری اسلامی میتوانست چیزهایی را از اینها بگیرد، با چند برابر قیمت و با زحمت میتوانست به‌دست آورد! البته هدفشان معلوم بود - من اول عرض کردم - بحث بر سر این بود که این عزّت ملی که به وسیله حرکت عظیم انقلابی مردم ایران به وجود آمده است، باید از بین برود. رخنه‌ای که به وسیله انقلاب در اقتدار فرهنگ غربی و سلطه غربی و نظام سلطه جهانی به وجود آمده است، باید پُر شود. هدف آنها این بود؛ به هر حال به این سیاست رسیده بودند. اینها کجای آثار هنری ما، در کدام فیلم یا نمایشنامه یا بقیه آثار هنری منعکس شده است؟ آیا قابل انعکاس نیست؟ آیا برای نسلهای آینده ایران تجربه‌آموز نیست؟ ۱۳۷۹/۰۷/۰۶

بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس

روایت ماجرای هشت ساله توسط هنر
 ما در این ماجرای هشت ساله، یک پیروزی مطلق به دست آوردیم. ما که جنگ را شروع نکرده بودیم که بگوییم فلان جا را میخواستیم بگیریم، نتوانستیم، پس ناکام شدیم؛ قضیه این نبود. قضیه این بود که دشمنی به ما حمله کرده بود و میخواست بخشی از خاک ما را

بگیرد؛ همه دنیا هم به او کمک کردند؛ ما هم مردانه ایستادیم؛ ناکام شد و بینی‌اش به خاک مالیده شد و برگشت. پیروزی از این بالاتر؟ این پیروزی را با همین ابعاد، با همه خصوصیتی که در آن وجود دارد، با همه آن هزاران هزار ماجرای که آن را به وجود آورده است، ما باید روایت کنیم. این کار هنرمندان عزیز ماست؛ کار نویسندگان است؛ کار سینماگران است؛ کار شاعران است؛ کار نقاشان است؛ کار اصحاب فرهنگ و هنر است.

امروز کار عده‌ای که به میدان جنگ رفتند و در این هشت سال، آن حماسه را آفریدند - چه شهیدایشان، چه ایثارگران‌شان، چه رزمندگان‌شان - دیگر تمام شد. آنها کار خودشان را کردند. پس از پایان کار آنها، کار یک خیل عظیم دیگری آغاز میشود؛ علاوه بر گزارشهایی که در دوران جنگ دادند. همین دوره جنگ، چقدر برای ما هنرمند درست کرد؛ چقدر شخصیت‌های برجسته درست شدند! غیر از آن، بعد از پایان جنگ، نوبت این خیل عظیمی است که این دیگر مسأله‌اش هشت سال نیست؛ هشتاد سال هم اگر طول بکشد، جا دارد. ۰۶/۰۷/۱۳۷۹

بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس

ظرفیت هنری کشور برای تبیین دفاع مقدس، گسترده و عمیق است
 آقایان [بهبودی و سرهنگی] معتقدند که قضایای دوره‌ی دفاع مقدس را بایستی مستند کرد، تبیین کرد، مستدل کرد تا براساس اینها آثار هنری به‌وجود بیاید، که کاملاً درست است. اعتقاد من این است که ما هرچه برای دوره‌ی دفاع مقدس سرمایه‌گذاری و کار کنیم، زیاد نیست؛ چون ظرفیت هنری و ادبی کشور برای تبیین این دوره، خیلی گسترده، وسیع و عمیق است و از این ظرفیت تاکنون استفاده‌ی خوب و درخوری نشده. البته کتابهای خوبی نوشته شده، لیکن این رشته باید استمرار پیدا کند. ۲۱/۰۶/۱۳۸۴

بیانات در دیدار جمعی از پیشکسوتان جهاد و شهادت و خاطره‌گویان دفتر ادبیات و هنر مقاومت

پشت صحنه‌ی جنگ را چقدر تصویر کردید؟

آقای حاتمی کیا میگویند، من نمیدانم راجع به جنگ چه بگویم. خیلی حرف دارید برای گفتن؛ شما سینماگران جنگ، پشت صحنه‌ی جنگ را چقدر تصویر کردید؟ چه شد که این جنگ شروع شد؟ کدام فیلم سیاسی بین‌المللی پلیسی، میتواند شیرین‌تر از این در بیاید که شما تصویر کنید - اسناد هم الان وجود دارد - چطور شد که صدام حسین به خودش جرئت داد و این گستاخی را کرد که به قصد تسلط بر ایران، به ایران حمله کند؟ نه اینکه همه‌ی ایران را بگیرد، بدون شک، قصد او این بود که خوزستان و یکی، دو استان دور و بر را بگیرد و به عنوان یک همسایه‌ی مقتدر بر حکومت مرکزی ایران - هر که باشد آن حکومت؛ یا جمهوری اسلامی یا هر کس دیگر - مسلط بشود، که میشد؛ یعنی اگر این دفاع جانانه نبود و اگر آن تسلط بر خوزستان انجام میگرفت، مگر ممکن بود یک حکومت مرکزی اینجا سر کار باشد و به آن کسی که بخشی از کشور را قدرتمندانه تصرف کرده، باج ندهد؟! خوب، چه شد که این را وادار کردند که این حمله را انجام بدهد و او حمله کرد؟ و چگونه به او کمک کردند؟ و کدام کارخانجات به او سلاح شیمیایی فروختند؟ آنهایی که آن سنگرهای هشت‌ضلعی و پنج‌ضلعی را درست کردند، چه کسانی بودند؟ کدام کشورها آن هواپیماها را به او دادند؟ آن مأمورین عالیرتبه‌ی سیاسی، امنیتی و نظامی‌ای که از کشورهای مختلف - از جمله آمریکا - به بغداد آمدند و با او و مردان او ملاقات کردند، چه کسانی بودند؟ ۱۳۸۵/۰۳/۲۳

بیانات در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون

یاد شهیدان را زنده و گرمی بدارید...

یاد شهیدان نباید در جامعه‌ی ما از ذهنیتها خارج شود. شهیدان را باید زنده نگه داشت. یاد شهیدان را باید گرمی بدارید و زنده نگه دارید؛ در همه‌ی استانهای کشور این معنا وجود دارد. بیست و سه هزار شهید استان خراسان بزرگ - شامل سه استان کنونی - یکی از برجسته‌ترین و بزرگترین رقمهای افتخارآفرین است. نگذارید غبارهای فراموشی - که عمداً گاهی این غبارها را میخواهند بر روی این خاطره‌های گرمی بپاشند و قرار بدهند - روی این خاطره‌های گرمی را بگیرد؛ زنده نگه دارید. مسئولان هم بایستی این کار را بکنند؛ مسئولان بنیاد شهید هم موظفند؛ مسئولان دستگاههای دیگر دولتی و عمومی هم وظیفه دارند. خود خانواده‌ها هم در محیطهایی که شعاع نفوذ و سلطه‌ی آنهاست، این کار را انجام بدهند. از نام شهید و از افتخار به شهید هرگز غفلت نکنید. تبلیغات عنادآمیز دشمنان سعی کرده‌اند که ارزشهای شهید را بتدریج کم کنند و در مواردی به ضد ارزش تبدیل کنند! این در کشور ما اتفاق افتاد؛ این سعی انجام گرفت؛ البته خنثی شد. اما عده‌ای این قدر وقاحت ورزیدند که نام شهدا و اصل شهادت را زیر سؤال ببرند. شما ببینید توطئه‌های دشمن تا کجا از لحاظ فرهنگی و سیاسی نفوذ میکند و چقدر من و شما باید هشیار باشیم که جلو این توطئه‌ها را بگیریم. معیار اسلامی، «شهید» را از زمره‌ی مردم معمولی بیرون میبرد و در کنار اولیا و صدیقین قرار میدهد؛ آن یک نگاه والائی است که به عقل ما هم درست نمیگنجد. حتی با نگاه‌های مادی معمولی، شهید آن کسی است که جان خود را برای نجات شرف و استقلال ملتش فدا کرده. هیچ وجدان و شرفی، هیچ دل بیدار و غیر بیماری میتواند این را انکار کند؟ در کشور ما، در ایران اسلامی ما در یک برهه‌ای از زمان سعی کردند این را انکار کنند. فرزندان شهدا به نام پدران‌شان افتخار کنند. آنها کسانی بودند که نه در راه تهاجم به یک کشور بیگانه و به یک همسایه، در راه مقابله‌ی با تهاجم یک دشمن، در راه حفظ میهن، حفظ استقلال، حفظ شرف ملی ایستادگی کردند. آن کسانی که در زمان حکومت شریر بعثی، به ایران حمله کردند و میخواستند ایران را لاقال قسمتی از ایران را مثل وضع فعلی عراق بکنند که اشغالگر بیاید داخل خانه و محله‌ی زندگی مردم و امکان تنفس را از پیر و جوان و مرد و زن بگیرد؛ به آنها اهانت کند، آنها را تحقیر کند، پا روی گردن آنها بگذارد؛ این کار را میخواستند با ملت ما بکنند. ببینید امروز اشغالگران در عراق چه کار میکنند! جلو جوان غیور عرب، مرد بیگانه همسر و خواهر او را بازرسی بدنی میکنند! به یک مرد غیور از دیدن چنین منظره‌ای چه میگذرد؟ یک جوان غیرتمند عرب را در مقابل همسرش، در مقابل فرزندان‌ش روی زمین میخوابانند، لگد روی پشت و روی سرش میگذارند. به یک خانواده‌ی عزتمند و با شرف چه میگذرد در یک چنین وضعی؟ اینها میخواستند این کار را با ملت ایران بکنند. صدام و حزب بعث و پشتیبانان امریکائی و شوروی و اروپائی او قصد داشتند با ملت ایران چنین معامله‌ای بکنند. و این جوان رزمنده‌ی ما نگذاشت. کدام افتخار از این بالاتر؟ جوان رزمنده‌ی ما رفت

مثل کوه در مقابل تجاوز دشمن ایستاد. چه افتخاری با این افتخار برابری میکند؟ شما دختر همین جوانی، پسر همین جوانی، همسر همین جوان بودی، پدر مادر همین جوان هستی؛ افتخار کن. این یک مطلب، که یاد شهدا، افتخارات شهدا، عزت شهدا را همه باید نصب‌العین خودشان قرار بدهند؛ نگذارید فراموش بشود. ۱۳۸۶/۰۲/۲۷

بیانات در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران خراسان

دنیال کردن راه شهدا یعنی ارزشهای اسلامی را دنیال کنیم عزیزان! اگر شهیدان عزیزند - که عزیزترینند - اگر برای ما گرامیند - که گرامیترینند - گرامیداشت آنها به معنای این است که ما راهشان را ادامه بدهیم و اهدافشان را دنیال کنیم. دنیال کردن راه آنها یعنی بایستی اهداف جمهوری اسلامی و ارزشهای اسلامی - این پایه‌های مستحکم و این شاخصهای نمایان که میتواند این ملت را به اوج افتخار دنیوی و اخروی برساند - در نظر داشته باشیم و دنیال کنیم. زن و مرد در این جهت یکسانند؛ پسران و دختران شهید، برادران و خواهران شهید و آنهایی که نسبتی با شهید دارند در این جهت یکسانند. هر چه به شهید نزدیکترید، افتخاراتان بیشتر و مسئولیت‌تان سنگین‌تر است. کشور مال شماست؛ کشور مال جوانهاست؛ آینده مال شماست. آنهایی که رفتند، رفتند و راهها را گشودند؛ من و شما که ماندیم باید از این راههای گشوده حرکت کنیم و پیش برویم. والا اگر آنها راه را باز کنند و ما بنشینیم و دست روی دست بگذاریم و تماشا کنیم، این قدرشناسی و نمکشناسی است. نمکشناسی در قبال شهدا این است که وقتی آنها راه را باز کردند، ما از این راه حرکت کنیم و پیش برویم. این امروز وظیفه‌ی ماست و ملت ایران این وظیفه را انجام میدهد و مسئولین کشور بحمدالله به این وظیفه متعهد و پایبندند و شعارهای اسلامی و میانی و اصول اسلامی برای آنها اصلترین پرچمها و شعارهاست. ان شاء الله این ملت با این عزم، با این روحیه، با این جوان و با این مشعلهای درخشانی که از خون شهیدان برافروخته شده و فضا را روشن کرده، خواهد توانست به بلندترین و دورترین آرزوهای خودش برسد.

۱۳۸۷/۰۲/۱۳

بیانات در دیدار جانبازان و ایثارگران و خانواده‌های شهدای استان فارس

همه باید با اتفاقات و رویدادهای دفاع مقدس آشنا شوند بسیاری از شما جوانهای عزیز، دوران دفاع مقدس را درک نکردید، در آن دوران نتوانستید، نبودید که بیایید وسط آن میدان؛ اولاً باید با اوضاع داوطلبان و جوانان مؤمن آن روز همه آشنا شوند؛ مخصوص شما نیست. همه باید بدانند که در دوران دفاع مقدس چه معجزات عظیمی از حضور مؤمنانه و پر تلاش نیروهای بسیجی در صحنه‌های جنگ اتفاق افتاد؛ این را باید همه بدانند. نوشته‌هایی هست، کتابهای خوبی نوشته شده است؛ من توصیه میکنم این کتابهایی که در شرح حال سرداران است یا آنچه که در گزارش روزهای جنگ و سالهای دشوار اول بالخصوص نوشته شده، این را جوانها بخوانند. خود را سیراب کنید از معرفت به آنچه که گذشته است در تاریخ انقلاب. ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

بیانات در دیدار بسیجیان استان فارس

پیشرفت در زمینه‌ی هنر و ادبیات دفاع مقدس ما در زمینه‌ی ادبیات دفاع مقدس، هم هنر دفاع مقدس داشتیم؛ بنده هم دارم صحنه را میبینم. اینی که ما بگوئیم ما عقب‌رفت داشتیم، عقب‌گرد داشتیم، ریزشمان بیشتر از رویش بوده، نه، اینها را من قبول ندارم؛ ما پیشرفت داشتیم. ۱۳۸۸/۰۶/۲۴

بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس

روایت گنجینه عظیم هشت سال دفاع مقدس کار هنری در زمینه‌ی دفاع مقدس یکی از برترین کارهای هنری است. آن کسانی که در این رشته کار کردند، در این صراط حضور داشتند، آن را پیش ببرند و این رشته را مغتنم بشمرند. هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه‌ی زمانی نیست؛ گنجینه‌ی عظیمی است که تا مدتهای طولانی ملت ما میتواند از آن استفاده کند، آن را استخراج کند و مصرف کند و سرمایه‌گذاری کند. حادثه‌ی عظیم این هشت سال، مجموعه‌ای است از صفات والا، فرهنگهای پسندیده و برگزیده و ممتاز، عقاید و معارف والاّنی که ملت ما در طول تاریخ ارث برده یا استعدادش را در خودش حفظ کرده بوده، که با انقلاب اسلامی این استعدادها بروز کرد. یک گنجینه‌ای از همه‌ی اینهاست. شما که دفاع مقدس را روایت میکنید، بخصوص آنهایی که روایت هنری میکنند، در واقع آئینه‌ای هستید در مقابل یک مظهر جمال و جلال، که او را منعکس میکنید. آنچه که در دوران آن هشت سال از بروز خصلتهای والا و پسندیده‌ی انسانی، از شجاعت، از ایثار، از اخلاص، از صدق و صفا، از بروز تدبیرهایی که از یک جوان چنین تدابیری انتظار نمی‌رفت - این برجستگی‌هایی که در دوره‌ی هشت سال دفاع مقدس به وجود آمد- اتفاق افتاد، با هزینه‌های زیادی هم همراه بود. چقدر جان عزیز فدا شد، چقدر ثروت مال و ثروت وقت مصرف شد. شما امروز آنها را در واقع با کار هنری خودتان بازآفرینی میکنید. همان تأثیری را که آن حادثه میتواند در یک نسل، در یک جامعه باقی بگذارد، شما با این نوشته‌ی خودتان، با این فیلم خودتان، با این کار هنری خودتان که بازآفرینی آن حادثه است، در مخاطب خودتان ایجاد میکنید. این خیلی کار بزرگی است، خیلی کار مهمی است؛ شما برای آن تابلوی پرشکوه و پر از ریزه‌کاری و ظرافت و زیبایی آئینه میشوید. خود این کار فرهنگی و کار هنری شما که روایت آن جهاد مقدس هست، جهاد است؛ زیرا سعی بر این بوده که آن مفاهیم والا به دست فراموشی سپرده بشود؛ برای این تلاش شده، کار شده. آن عزتی، اعتماد به نفسی، احساس اقتداری که از ناحیه‌ی معنویت رزمندگان ما و جامعه‌ی اسلامی ما احساس شد و توانست آن حادثه‌ی عجیب و شگفت‌انگیز - یعنی پیروزی در دفاع مقدس و شکست خوردن در مقابل تهاجم این همه دشمن- را رقم بزند، آن خصوصیات، آن خصلتها، برای ملت ما، برای کشور ما، یکی از بزرگترین نیازهاست. اینها را بایستی نگه داریم و در مقابله‌ی با تلاشی که میشود برای به فراموشی سپردن آنها، مقاومت کنیم. کار شما روایت دفاع مقدس و همین مجاهدت بزرگ است.

یک نکته‌ای که در باب روایت دفاع مقدس و کار هنری برای آن مدت، باید مورد توجه باشد، این است که این میدان یک میدان بسیار

وسیعی است و واقعاً هنوز بسیاری از بخشهای آن کشف نشده است. نه اینکه انسان یا ذهنها نتواند آن را به دست بیاورد و بفهمد و بشناسد، نه، منعکس نشده. نباید تصور کرد که مضامین دفاع مقدس، مضامین تکراری است. خیلی از مفاهیم و مضامین در مجموعه‌ی این تلاش هشت ساله وجود داشته که هنوز درباره‌ی آنها کار نشده، فکر نشده... در این بخشها فکر کردن و جستجو کردن، هنرمند را میرساند به مضامین بکر و گویائی که میتواند اثر هنری تولید کند. بالاخره آنچه که در جمع‌بندی دفاع مقدس، انسان میتواند بگوید، این است که این هشت سال، مظهری از برترین صفاتی است که یک جامعه میتواند به آنها ببالد و از جوانان خودش انتظار داشته باشد. یعنی دفاع مقدس مظهر حماسه است، مظهر معنویت و دینداری است، مظهر آرمان‌خواهی است، مظهر ایثار و از خودگذشتگی است، مظهر ایستادگی و پایداری و مقاومت است، مظهر تدبیر و حکمت است.

جنگ، کار پیچیده‌ای است. مدیریت جنگ و فرماندهی جنگ، کار بسیار سنگین و پیچیده‌ای است. این کار را جوانهای نورس ما در بسیاری از بخشها انجام میدادند. این تدبیر، این حکمت، چیز بسیار شگفت‌آوری است؛ مظهر شکوفائی استعدادها و ظرفیتهاست. چقدر جوانهای کم‌سال رفتند در جبهه و توانستند در آنجا کارهای بزرگ از خودشان نشان بدهند. بعضی شهید شدند، بعضی هم جزو سرمایه‌های انقلاب بودند، بعدها کشور از اینها استفاده کرد. حقیقتاً این جوری بود که سپاه پاسداران یکی از مراکز صدور نیرو به همه جای کشور شده در طول این بیست و هفت هشت سال؛ به خاطر اینکه جنگ توانست از یک مجموعه‌ی جوان، مجموعه‌ای از عناصر کارآمد و بااستعداد درست کند و تحویل بدهد؛ چون استعدادها در اینها شکوفا شد. جنگ مظهر این ارزشهاست. اینها چیزهایی نیست که هیچ ملتی از اینها خود را بنیاز بداند. بنابراین راوی جنگ، در واقع دارد یک چنین ارزشهایی را روایت میکند؛ حکایت یک چنین خصال پسندیده و اوجهایی را دارد به مستمعین خودش نشان میدهد. ۱۳۸۸/۰۶/۲۴

بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس

تلاش دشمن برای فراموشی مجاهدتهای دوران دفاع مقدس

در هر کدام از مناطق [عملیاتی]، قضایایی اتفاق افتاده است که یکی از این قضایا در میان هر کشوری و هر ملتی اتفاق بیفتد، کافی است برای اینکه در تاریخ، آن ملت را سر بلند کند. همین مسائلی که در عملیات بیت‌المقدس اتفاق افتاد، یا آنچه در عملیات فتح‌المبین اتفاق افتاد، یا آنچه بعد از اینها در عملیات خیبر اتفاق افتاد، ذره ذره‌ی این عملیات و شخصیت‌هایی که این فداکارها از آنها سر زد و حوادث را ساختند، میتواند مجموعه‌ای از افتخارات بزرگ و ماندگار و فراموش نشدنی را برای ملت ایران رقم بزند. دشمنها میخواهند ما یادمان برو؛ میخواهند قضیه‌ی دفاع مقدس از یادمان برو، فداکارها از یادمان برو، شخصیت‌هایی را که در این فداکارها نقش آفریدند یا شناسیم یا از یاد ببریم، این‌جور میخواهند. بعضی میخواهند آن دوران را تخطئه کنند، آن آدمها را تخطئه کنند، آن جهت‌گیری را و آن مسیر را که امام بزرگوار و حکیم و بنده‌ی بصیر الهی آن مسیر را معین کرده بود تخطئه کنند؛ برای اینکه میدانند که هر ذره‌ای و هر نقطه‌ای از این حوادث، برای ملت ایران فراموش نشدنی است و تأثیرات بزرگ سازنده‌ای دارد. ۱۳۹۳/۰۱/۰۶

بیانات در یادمان شهدای شرق کارون

باید سبک زندگی شهیدان را برای جوانان ترسیم کنیم

این یک نکته است که ما زندگی شهیدان را، سبک زندگی شهیدان را، برای جوانهایمان، برای نسلهای رو به آینده‌مان تصویر کنیم، ترسیم کنیم، به آنها نشان بدهیم که ببینند چه بود و چه شد. چون جنگ تحمیلی که در واقع دفاع مقدس بود، این یک چیز کوچکی نبود؛ ما هنوز هم بعد از گذشت سالها، ابعاد مهم این جنگ را درست نتوانستیم برای مخاطبین خودمان تشریح کنیم؛ یک جنگ بین‌المللی بود، یک جنگ بین‌الملل بود علیه اسلام، علیه حاکمیت اسلام، علیه امام بزرگوار؛ یک جنگ این‌جوری بود. حالا قلّه‌ی آن و به اصطلاح سر نیزه را آن بدبخت بی‌عقل بعثی صدام قرار داده بودند و آلا پشت‌سر او، عقبه‌ی او دیگران بودند؛ کسانی که به او کمک میکردند، کسانی که به او راه نشان میدادند، کسانی که وسایل کار او را برایش فراهم میکردند؛ اگر یک وقتی هم احتمالاً سست میشد، تقویتش میکردند که نگذارند [ضعیف شود]؛ ما با یک چنین جنگی مواجه بودیم. اینهایی که توانستند کشور را از یک چنین بلیّهای نجات بدهند، چه کسانی بودند؟ این برای جوان امروز ما مهم است. ۱۳۹۵/۰۷/۰۵

بیانات در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی

خطرات دفاع مقدس ثروت عظیم ملّی است

اشتباه میکنند کسانی که خیال میکنند یا باید اسم جنگ را نیاورد، یا اگر اسمش را آورد، بر صدّش حرف زد؛ جلسه تشکیل میدهند برای آثار و ادبیات جنگ، آنوقت شعر صدّ جنگ در آن جلسه میخوانند؛ اینها مثل کسانی هستند که کتابهای خطّی نفیس بازمانده‌ی یک ملّت را -نُسخ منحصر به فرد را- آتش بزنند و از بین ببرند؛ مثل کسانی هستند که نفت یک کشور را استخراج کنند و بریزند داخل دریا و از بین ببرند؛ ثروت ملّی را -که میتواند تاریخ را بسازد، آینده را بسازد و ذکر آنها مثل ذکر «وَدَّ كَرَهُمْ بِآيَامِ اللَّهِ» مایه‌ی ساختن حال و آینده‌ی کشور بشود- دارند از بین میبرند. فیلم میسازند، فیلم صدّ جنگ میسازند؛ کتاب مینویسند؛ باید مراقب بود. [اینها] دو مقوله را با هم اشتباه میکنند؛ یک مقوله این است که آیا جنگ فی‌نفسه چیز خوبی است یا چیز بدی است؟ خوب معلوم است جنگ چیز خشنی است؛ جنگ، کشتن دارد، نابود شدن دارد، مجروح شدن دارد، معلوم است؛ این یک مقوله است. یک مقوله‌ی دیگر این است که یک ملّتی که مورد تهاجم قرار میگیرد از جهات مختلف، اگر چنانچه قوّت خود را، نیروی خود را به میدان نیاورد و در مقابل دشمن نایستد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ این مقوله را با آن مقوله مخلوط میکنند. دفاع مقدس یک حرکت حیاتی بود، یک نفس کشیدن بود برای این ملّت؛ نفس نمیکشیدیم، میمردیم؛ این را باید زنده نگه داشت.

خب، [پس] خاطره‌های هشت سال دفاع مقدس، شد یک ثروت عظیم و ملّی. این‌قدر هم این خاطره‌ها زیاد و متنوّع و پُر مغز و گویا است که هیچ زبان گویایی هم -نه حالا زبان بنده که زبان قاصری است- قادر نیست که همه‌ی آنها را بیان کند. دلیلش این است؛ قریب سی سال از پایان جنگ دارد میگذرد، امروز [درباره‌ی جنگ] کتاب مینویسند، [وقتی] بنده‌ی حقیر -که خودم هم حاضر بودم، ناظر بودم و خیلی از قضایا را میدانستم- آن کتاب را میخوانم، یک عالم مطلب از آن کتاب گیر من می‌آید؛ اشخاص را، شخصیت‌ها را، حرفها را، حکمتها را

[میتوان شناخت]. این حرف یک رزمنده‌ی همدانی است که اگر چنانچه از سیم خاردار می‌خواهی رد بشوی، اول باید از سیم خاردار نفست عبور کنی. وقتی گرفتار خودمان هستیم، نمیتوانیم کاری انجام بدهیم؛ این را آنها به ما یاد دادند؛ این را آن جوان ۲۰ ساله یا ۲۵ ساله‌ی رزمنده به ما تعلیم داد، از آنها یاد گرفتیم؛ این یک ثروت عظیم است. ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران راهیان نور

معارف و مفاهیم دفاع مقدس را باید ترویج کرد

آن کسانی که به این سفرهای راهیان نور می‌آیند و برمیگردند، حتماً باید چیزی به آنها اضافه شده باشد؛ باید بین آنها و بین حادثه‌ی مهم دفاع مقدس یک پیوند و ارتباط ناگسستنی به وجود بیاید؛ معرفت تازه‌ای پیدا کنند. اطلاع تازه‌ای پیدا کنند. در این زمینه‌ها ما البته در طول این سالها به نظر من کم‌کار بوده‌ایم؛ ما کم کار کرده‌ایم. حالا کتاب زیاد نوشته شده، چند فیلم ساخته شده؛ اینها خوب است؛ کارهایی که انجام گرفته خوب و با ارزش است؛ لکن به نظر من در مقابل آنچه باید انجام بگیرد کم است. این کتابهایی هم که ما نگاه میکنیم و استفاده میکنیم، خوب است، منتها دایره‌اش محدود است. دایره‌ی تأثیرگذاری اینها محدود است؛ حالا مثلاً فرض کنید که میگویند از فلان کتاب پرفروش و پرتیراژ، پانصد هزار، ششصد هزار [نسخه] چاپ شده؛ خوب حالا ششصد هزار نسخه‌ی کتاب در یک کشور به این بزرگی، اگر فرض کنیم هر یک نسخه‌ی کتاب را هم ده نفر خوانده باشند، میشود پنج میلیون نفر، شش میلیون نفر؛ از جامعه‌ی هشتاد میلیون نفری ما، پنج میلیون [نفر] یک کتاب را بخوانند و به معارف آن آشنا بشوند، کافی است؟ باید ترویج کرد؛ باید هم کتاب را ترویج کرد، هم مفاهیم را ترویج کرد، هم آن را در قالب هنر عرضه کرد، هم بهترینهاش را در کتابهای درسی گنجاند، هم در دانشگاه‌ها یک بابی برای مسائل مربوط به دفاع مقدس باز کرد، نگذاریم این قضیه به آسانی از دست برود. هر جانبازی که از دفاع مقدس باقی مانده است، یک یادگاری است؛ این یادگاران دفاع مقدس را گرمای بداریم، سرداران دفاع مقدس را گرمای بداریم. آنها هم قدر خودشان را البته بدانند و خودشان را حفظ کنند و آن ارزشها را در خودشان نگه دارند. این راه با استقامت تأمین خواهد شد و پیش خواهد آمد. ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران راهیان نور

استفاده از معدن دفاع مقدس با فناوری راهیان نور

وقتی می‌گوییم راهیان نور یک فناوری جدید برای استفاده‌ی از معدن تمام‌نشدنی سالهای دفاع مقدس است، معنایش این است که همه‌ی کشور باید از این استفاده کند و قدر آن را بداند؛ در کتابهای ما بیاید، در هنر ما بیاید، در دبیرستان ما و دیستان ما بیاید، در دانشگاه‌های ما راه پیدا کند. مسئولین دانشگاه‌ها و مسئولین بخشهای دولتی خودشان را به این کار موظف بدانند. صرف اینکه ما حالا یک گوشه‌ای هم [یک مرکزی] قرار بدهیم که هرکس خواست برود [-مثلاً] دانشجویی- بیاید آنجا اسم بنویسد و راه بیفتد، کار [فقط] این نیست؛ کار بیشتری لازم است. به‌عنوان یک گنج نگاه کنید، به‌عنوان یک معدن عظیم پُرسود و پُرمفعت به این حادثه نگاه کنید؛ ببینید در قبالتش چه کار باید کرد، باید کار کرد، باید فکر کرد، باید برنامه‌ریزی کرد، باید نقشه ریخت. ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران راهیان نور

تقویت فرهنگ کشور با تولید فرهنگی از دفاع مقدس

اگر چنانچه ما در زمینه‌ی دفاع مقدس، کار فرهنگی کردیم، تولید فرهنگی کردیم، این تولید، کشور را غنی خواهد کرد، نیروهای انسانی ما را غنی و قوی خواهد کرد و در مقابل توطئه‌های دشمنان قوی میشوند. ما برای اقتصاد هم نیرو بخواهیم باید قوی باشد، برای فرهنگ هم نیرو بخواهیم باید قوی باشد، برای مسائل مدیریتی کشور هم نیرو خوب بخواهیم باید قوی باشد؛ این فرهنگ است که انسانها را تقویت میکند و انسانهای قوی به وجود می‌آورد. سرچشمه‌ی قوت فرهنگی، از جمله همین سرچشمه‌ی قیّاض نیروهای دفاع مقدس است. اگر توانستیم از این استفاده کنیم، فرهنگ کشور قوی خواهد [شد]؛ این تولید فرهنگی است. در فرهنگ هم -مثل مسائل اقتصادی- اگر تولید نکردیم، به واردات احتیاج پیدا میکنیم. مثل مسائل اقتصادی است که شما اگر چنانچه تولید داخلی نداشته باشید، واردات می‌آید جای تولید داخلی را میگیرد. وقتی واردات آمد جایگزین شد، نتیجه این میشود که بعد تولید داخلی هم دیگر نمیتواند کمر راست کند؛ یکی از مشکلات امروز ما همین است؛ واردات فراوان -شاید تا حدود زیادی بی‌حساب و کتاب- در بخشهای مختلف، در مقابلش تولید ناقص؛ فرهنگ هم همین‌جور است. اگر شما تولید فرهنگی نکردید، واردات فرهنگی -چه به صورت رسمی، چه به صورت قاچاق- وارد کشور میشوند. الان واردات فرهنگی زیاد است؛ بنده در این زمینه اطلاعات فراوانی دارم و به مسئولین هم گاهی هشدار میدهم. ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران راهیان نور

در روایت جنگ اغراق نکنیم

ما در این حملات دوران هشت‌ساله، حملات موفقی داشتیم، حملات ناموفقی داشتیم. فرض کنید در حمله‌ی رمضان -مین‌بابی مثال- یا کربلای چهار، حمله‌ی ناموفقی [داشتیم]؛ حملات موفقی هم داشتیم، فرض کنید که در والفجر هشت، جوانهای ما رفتند آن طرف ارون‌درو؛ اما همان حملات موفقی [هم] حملاتی بود که با صدها مشکل همراه بود. انسانها همه یک‌جور نیستند، دشواری‌های فراوان بود؛ بعضی‌ها از بین راه برمیگشتند، بعضی‌ها پشیمان میشدند، بعضی‌ها جلو نمیرفتند، بعضی‌ها بیش از آنچه به فکر انجام وظیفه باشند، به فکر این بودند که درباره‌ی ما چه میگویند، این‌جوری هم داشتیم؛ اینها را هم بگویم، اشکالی ندارد. در بین [بیان] همه‌ی این مجموعه است که آن تلاؤهای فوق‌العاده خودش؛ آن انسانهای ناب، آن شهدای عزیز، عالی‌قدر، خودشان را، ارزششان را، والاییشان را نشان میدهند. بنابراین هیچ لزومی ندارد مبالغه کنیم، اغراق کنیم یا جوری حرف بزنیم که گویی آنها یک انسانهای دیگری بودند؛ نخیر، از همین جنس ماها بودند، منتها بهتر از ما راه را شناختند، بهتر از ما زندگی را فهمیدند، اقبال بیشتری داشتند، توسل بیشتری داشتند، خدای متعال هم به آنها توجه بیشتری کرد و آنها را از سرچشمه‌ی لطف و فضل خودش سیراب کرد. ۱۳۹۵/۱۲/۱۶

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران راهیان نور

نگذارید خاطره‌ها دفاع مقدس فراموش شود

ما بر همه‌ی سختی‌ها و بر همه‌ی چالش‌ها میتوانیم مؤمنانه فائق بیاییم؛ این نتیجه‌ی نگهداشت و پاسداشت خاطره‌ها است. من می‌خواهم اهمیت کار را توجه بکنید؛ خاطره‌ی این هشت سال دفاع مقدس را نگذارید فراموش بشود... این کتابهایی که نوشته میشود مهم است، اینها ارزشمند است؛ صرفاً یک کار هنری نیست. البته خوشبختانه کار هنری خوبی هم دارد انجام میگیرد؛ هم در نگارش و ادبیات، هم در سینما و این‌طور کارها؛ کارهای خوبی خوشبختانه دارد انجام میگیرد. البته در بعضی جلوتریم، در بعضی عقب‌تریم؛ باید جلو برویم. از لحاظ هنری و از لحاظ جنبه‌های ادبی، کارهای باارزشی است؛ اما مسئله‌ی اینها بالاتر از این کار هنری است. این فیلمی که این آقا می‌سازد، این کتابی که آن آقا مینویسد، در واقع یک تزریق سیمان به این پایه‌هایی است که می‌خواهیم اینها را مستحکم کنیم، می‌خواهیم اینها را ماندگارتر کنیم؛ تقویت پایه‌های انقلاب است، تقویت پایه‌های پیشرفت کشور است، تقویت هویت ملی است؛ خیلی باارزش است. و من عرض بکنم حقیقتاً این خاطرات، یک ثروت ملی است؛ این خاطرات، ثروت ملی است؛ متعلق به آن شخص خاطره‌گو و راوی هم نیست، مال همه است؛ باید بگویند، باید بنویسند. البته معلوم است - بارها هم گفته‌ایم، ظاهراً هم همین‌جور است - از مبالغه و اغراق و مانند اینها باید بکلی صرف‌نظر کرد؛ متن واقع - همان که اتفاق افتاده - این‌قدر فاخر و این‌قدر زیبا و این‌قدر معجز نشان است که احتیاج به هیچ اغراقی ندارد؛ آن اتفاقی که افتاده، این‌جوری است. همان که اتفاق افتاده، همان را باید بگویند، باید زنده کنند، باید شیوه‌های هنری را استخدام کنند برای بهتر بیان کردن آن. و اینها حسنه است، اینها صدقه است. این کسانی که این کارها را میکنند، چه آنهایی که در کار نگارش و ادبیات و مانند اینها هستند، چه آنهایی که در کار فیلم و سینما و مانند اینها هستند، بدانند این کاری که انجام میدهند یک حسنه است، یک اتفاق بزرگ معنوی است؛ رزق این ملت را، این جمعیت را، این کشور را، شما دارید به آنها میرسانید؛ واسطه‌ی [رساندن] رزق الهی و رزق معنوی به آنها هستید. این را قدر بدانید، این خیلی خوب است. راهیان نور از جمله‌ی همین کارها است؛ راهیان نور از جمله‌ی همین صدقات و حسنات است. نوشتن خاطره‌ها همین‌جور، گفتن خاطره‌ها همین‌جور... عزیزان من! انگیزه وجود دارد برای ضعیف کردن این حقیقت، در واقعیت زندگی ما و در واقعیت ذهن ما. کسانی انگیزه دارند؛ همان کسانی که برنامه‌ریزی میکنند برای کشورهای اسلامی و به آنها ابلاغ میکنند و آنها هم قبول میکنند که مسئله‌ی جهاد را یا مسئله‌ی شهادت را از مجموعه‌ی معارف دینی کتابهای مدرسه‌ای و دانشگاهی و بقیه‌ی کتابها خارج کنند و حذف کنند - این ابلاغ شده به بعضی از کشورها؛ گفته‌اند مسئله‌ی جهاد و مسئله‌ی شهادت و مانند اینها را حذف کنید و آنها هم قبول کردند و حذف کردند؛ این انگیزه‌ها این‌جوری است - همان انگیزه‌ها در داخل استمرار پیدا میکند، ادامه پیدا میکند و به شکل برخی از خرده‌سیاستهای فرهنگی، اینجوانچا دیده میشود؛ غفلت نباید کرد. جنگ را، دفاع مقدس را، شهادت را، جهاد را، زنده نگه داریم؛ این خاطره‌ها را قدر بدانیم؛ اینها بسیار باارزش است.

۱۳۹۶/۰۳/۰۳

بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس

استفاده از هنر در روایت جنگ

ما تا پنجاه سال دیگر هم اگر درباره‌ی این هشت سال دفاع مقدس حرف بزنیم و کار کنیم و کارهای نو انجام بدهیم، زیاد نیست؛ و گمان میکنم تا پنجاه سال دیگر هم به آن انتها نرسیم. البته از شیوه‌های خوب بایست استفاده کرد، از شیوه‌های هنری باید استفاده کرد.

۱۳۹۶/۰۳/۰۳

بیانات در مراسم شب خاطره دفاع مقدس
